

باغ

بری می‌رسد!

محمد ترابی (خاکی)



۲ - اگر بتوان پورسینا را به بهانه اینکه او جستارها و کراسه‌ها و بیشتر نوشته‌های خود را به زبان تازی نوشته که زبان همگانی و زبان فرمانروایان زمان او بوده است «دانشمند عرب!» دانست؛ پس امروز هم می‌توان ۵/۶ میلیارد مردم روی زمین را که همه انگلیسی می‌نویسند و می‌خوانند و سخن می‌گویند و این زبان ابزار پیوستگی اندیشه‌های آنان با یکدیگر است، همه را انگلیسی دانست؟! اما چنین نیست و نمی‌توان با چنین دیدگاهی مردم چین و هند و ترک و هند و چین و روس و ایرانی و عرب و ... همه را انگلیسی دانست هریک از آنها فرهنگ و ملیتی جداگانه دارند که ریشه در آن دارند و بسیاری دانشمندان و نخبگان دیگر ایرانی که فرآورد دانش آنان به تازی یا به زبانی جز پارسی و زبان مادری آنهاست و نیز در دیگر زبانها و فرهنگها چنین است. همچون ملاصدرای شیرازی زمان صفوی و نیز کتابهای ابوریحان بیرونی، زکریای رازی، مولانا و بونصر فارابی (معلم ثانی) که خاستگاه همه آنان سرزمین ایران بزرگ بوده است، اما همگی در جهان زمان خود پیوسته در کوچ بوده‌اند و آنچه می‌توانسته‌اند به تازی، که زبان همگانی فرمانروایان و مردم زمان آنان بوده است، نوشته‌اند.

۳ - زادگاه و خاستگاه و جای بالندگی و نمای پورسینا نیز همانا در شهرهای باستانی و قلمرو «ایران بزرگ» پیشین بوده است؛ زادگاه او در شهر بلخ بود و از آنجا به بخارا رفته و به دربار سامانیان «از اولین خاندان‌های پادشاهی ایرانی پس از یورش تازیان به ایران» راه یافته و در آنجا به دستوری و فرمانروانی رسیده است؛ در بخارا از کتابخانه نوح بن منصور سامانی بهره گرفته است. آیا شهرهای بلخ و بخارا در کدام سرزمین عربی هستند؟! و آیا خاندان سامانی در کدام کشور عربی ریشه یا وابستگی داشته یا فرمانروایی می‌نموده‌اند.

۴ - آیا پورسینا به هنگام کوچ از شهرها و گذر از سرزمینهایی که از آنها گذشته و گردش کرده است نشانه‌ای از گذارا و به شهرها و سرزمینهای تازی هم دیده شده است؟ و یا اینکه در سرزمینهای تازی ماندگار شده

در هفتگی نامه «امید جوان»: «شماره ۵۱۱» رویه سیم، ستون یکم پرسمان و دیدگاهی نمایانده شده است که در آن «توفیق محمد السهلی» تحلیلگر عرب، پورسینا پزشک و دانشمند ایرانی را «دانشمند عرب!» خوانده است و این پرسمان از خبر پراکنی B.B.C نیز پخش شده است! بی‌گمان به میان آوردن چنین گفتارهای نادرست ناآگاهی و اندیشه‌ی نابخردانه‌ی فراآوردندگان آن را بر همگان آشکار می‌سازد!

از سوی دیگر پاسخ «رسمی» و آگاهانیدن همگان از چنین بداندیشی‌ها و آشکار ساختن دست اندرکاران برو نداد این‌گونه نادرستی‌ها با فرمانداران و فرشتیان دستگاه فرهنگی کشور است که پاسخی شایسته به آنان که در اندیشه وارونه نشان دادن نموده‌های فرهنگی و تاریخ ایرانیان هستند داده شود. این کوچک نیز به اندازه توان خویش جستاری در پاسخ آن پرسمان به هفتگی نامه امید جوان فرستادم و اکنون این جستار را نیز به ماهنامه آوین پیشکس می‌نمایم که خود از پیشگامان پاسداری از فرهنگ ایرانزمین می‌باشد در اینجا باید از هفتگی نامه «امید جوان» برای آنکه درباره «پرسمانهای ملی و فرهنگی و ارزشهای ایرانی به آگاهی رسانی در خور و واکنش شایسته می‌پردازد سپاسگزاری نمود؛ اما تا این زمان که این جستار نوشته می‌شود هیچ‌گونه واکنشی از سوی فرشتیان و فرمانداران فرهنگی و یا رسانه‌های همگانی دیده نشده است! و سرها یا در گریبان است یا شاید زیر برف!! «در پاسخ به» تازی‌نمایی درباره «پورسینا» و کژ اندیشی پدید آمده برای آن «تحلیلگر عرب» دیدگاههای زیر را به آگاهی می‌رسانم.

۱ - بی‌گمان می‌توان چنین اندیشید که فرآورده‌های دانش همه‌ی نخبگان بشری از آن همه انسانهاست و بدرستی کامه و دیدگاه خود آنها نیز چنین بوده است که همه انسانها از دستاورد اندیشه‌های آنان بهره گیرند اما این پرسمان را نمی‌توان دستاویزی برای نادیده گرفتن و کنار نهادن شناسه و فرهنگی که این بزرگواران از آن برخاسته و به آن وابسته‌اند دانست و به کار گرفت!!

شمار زبانزد می‌باشد: و از گلستان سعدی است:

«توسم نرسی به کعبه ای اعرابی!

کاین ره که تو میروی به ترکستان است!!

با نگرشی تیزبین و هوشمندانه به این سرود پارسی نیز در خواهید یافت که آنسوی گفتگوی سراینده هم «یک اعرابی!» می‌باشد!! و اکنون هم این یک «تحلیل‌گر عرب» است که دوست دارد پورسینا هم چون خودش عرب باشد!! به فرموده پروین اعتصامی:

خود بین چنان شدی که ندیدی مرا به چشم

پیش هزار دیده بینا چه می‌کنی!؟

به ناچار باید گفت این پورسینا نیست که بتوان او را «عرب» خواند بلکه این همان «تحلیل‌گر» است که نه تنها «عرب» که از بیخ عرب می‌باشد! و به ناچار در «تحلیل» نادرست خود «تحلیل» خواهد رفت!! و این گفتمان هم چیزی جز گفتمان (خلیج و خلیج عربی!) نیست اما درباره اینکه آیا شبکه خبری B.B.C از نادرستی این «تحلیل» آگاهی داشته است یا نه و آنرا پخش نموده است باید از خودشان پرسید!

۱۱ - از هموندان و هموطنان ارجمند خواهشمند است چنانچه واکنش و بازتابی از سوی دست اندر کاران و فرمانداران پاسخگوی کشور به این گفتمان در جایی دیده یا شنیده‌اند و یا از سوی استادان و دانشگاهیان و دانشمندان کشور در رسانه‌های همگانی (راديو- تلویزیون روزنامه‌ها و هفتگی نامه‌ها گفتگوهای درباره آن از سوی هر کسی انجام یافته آنرا به آگاهی ماهنامه آوین «به نشانی ماهنامه» برسانند



پورسینا

باشد؟ به نوشته فرهنگ دهخدا «او حتی پایش به آنسوی دجله هم نرسیده است!» «فرهنگ دهخدا پوشنه‌ی ۱ از رویه ۵۵۸ تا ۵۷۵)

۵ - مزار باشکوه این دانشی مرد ایرانی در یکی از باستانی‌ترین شهرهای ایران (همدان) بدست ایرانیان ساخته شده و در برابر دیدگان جهانیان است.

۶ - نام مادر این دانشمند بزرگوار ایرانی «ستاره» است که نامی ۱۰۰٪ ایرانی است «فرهنگ دهخدا همان ۵۵۸ - ۵۷۵ - فرهنگ معین؛ پوشنه‌ی ۵ (اعلام) رویه ۸۵.

۷ - نوشته‌ها - کراسه‌ها، سرواها از او به زبان پارسی نیز هست برای آگاهی از آنها باید به فرهنگها (لغت‌نامه دهخدا، پوشنه‌ی ۱ - رویه ۵۷۴، ستون ۲) بازگشت نمود نام و نشانی و رویه و جایگاه چاپ و زمان چاپ آنها نوشته شده است.

۸ - به نوشته فرهنگ دهخدا: «همان پوشنه‌ی و رویه» کسانی دیگر که در پی آن بوده‌اند تا او را «دانشمند عرب» بنمایانند هم گفته‌اند اگر او ایرانی بود باید شیعه هم بود! اما نخست باید دانست که تا پیش از پیدایش خاندان «صفوی» و فرمانروایی آنان همه بزرگان و نخبگان ایرانی «شیعه» نبوده‌اند هرچند درباره پورسینا نشانه‌های شیعه بودن او نیز برتری دارد: نام خودش حسین است و نام پدرش عبدالله که آشکار گفته شده از «شیعیان اسمعیلی» بوده و دیگر آنکه نام پدر بزرگ او «حسن» و نام نیای او «علی» است و این نامها جز نشان دوستی با خاندان (علی) نمی‌تواند بود.

۹ - افزون بر زندگینامه او که در فرهنگهای دهخدا و معین (پوشنه ۵ - اعلام) نوشته و ماندگار است فرهنگهای با ارزش و سترگ در سراسر جهان «هویت» این دانشی مرد بزرگ را ایرانی دانسته‌اند. نمونه آن فرهنگ فرانسه «لاروس» از با ارزش‌ترین فرهنگهای جهان» در رویه ۱۰۵ - در زیر واژه Avicenne (ابن سینا) همراه با زندگینامه‌ی این بزرگ دانشی مرد، او را پزشک و فرزانه‌ی ایرانی نامیده است. دستداران این دیدمان می‌توانند بدان فرهنگ بنگرند.

۱۰ - اکنون با اینهمه نشانه‌های آشکار همچون آفتاب، تازی نمایی پورسینا همانند آنست که کسی نشانی خانه کعبه را که در سرزمین حجاز و شبه جزیره عربستان است و مسلمانان هر سال بدانجا می‌روند و آیین حج بجا می‌آورند در بیابانهای مغولستان یا قراقوم و یا آنسوی دیوار چین بدهد!

اینکار زبانزد شناخته شده پارسی را بیاد می‌آورد که نمود وارونه گویی و وارونه کاری است: «ره کعبه به ترکستان است» و نیز در اینباره سروادی پارسی داریم که آنهم بیانگر همین پرسمان و همانند آنست: و آن نیز در